



دولت کنونی سیاست‌های ترامپ را در موضوعات محوری از قبیل حمایت همه‌جانبه از اسرائیل و موضع خصمانه در مقابل کوبا و ونزوئلا ادامه داده و تأیید کرد. گزارش اخیر نیویورک تایمز افشا کرد که استفاده از پهپادها در سوریه، عراق و افغانستان رسماً بیش از ۱۴۰۰ غیر نظامی را کشته است. رقم واقعی احتمالاً بسیار بیشتر است. بر این اساس، دولت بایدن همان سیاست ترامپ را ادامه می‌دهد. در پایان ماه اوت، ده غیر نظامی در کابل به وسیله حملات پهپادی امریکا کشته شدند، اما در سامبر تصمیم گرفته شد که کادر نظامی مرتبط با آن توییح نشود!

وجود همه تلاش‌ها، هر چه بیشتر در این باتلاق فساد فرو می‌روند. در امریکا بهتر می‌توان فرایند این پروسه را مشاهده کرد؛ پروسه‌ای که در آن قدرت دولتی سعی دارد خود را از جامعه بی‌نیاز و مستقل کند. در حالی که اساساً قرار بود قدرت دولت صرفاً ابزاری برای تحقق آرمان‌های جامعه باشد. در سیستم اداری هیچ منصب دائمی یا حقوق بازنشستگی وجود ندارد. با وجود این مادر اینجا دو باندی از دلان سیاسی را می‌یابیم که قدرت دولت را به نوبت مالک می‌شوند و آن را با فاسدترین ابزارها و برای فاسدترین اهداف به کار می‌گیرند. مردم در مقابل این دو کارتل بزرگ سیاسی هیچ قدرتی ندارند؛ کسانی که در ظاهر خادم مردم هستند، اما در واقعیت بر آنها مسلط بوده و آنها را چپاول می‌کنند.

■ آزادی سلاح

بر خلاف همه ادعاها، دولت بایدن هیچ اقدام واقعی برای کنترل دسترسی به سلاح گرم انجام نداده است؛ در حالی که تعداد قتل‌ها به شدت در حال افزایش است (افزایش ۳۰ درصدی به نسبت ۲۰۲۱). در حال حاضر ۴۰۰ میلیون سلاح گرم در بازار ایالات متحده موجود و در حال تبادل است.

■ حق رأی

در شرایطی که برخی ایالت‌ها از جمله همان تگزاس تصمیم گرفته‌اند که قوانین انتخابات را تغییر دهند و اعطای حق رأی به طبقات کارگر بخصوص اقلیت‌های نژادی این طبقه را محدود کنند، باز هم دولت بایدن کاری انجام نداده است.

■ مهاجران

دولت بایدن در مورد مسائل مربوط به حقوق مهاجران و پذیرش پناهندگان بهتر از دولت دونالد ترامپ عمل نکرده است. در سپتامبر ۲۰۲۱ «دائیل فوت» نماینده ویژه ایالات متحده در هائیتی، در اعتراض به سیاست دولت جو بایدن در اخراج غیرانسانی هزاران مهاجر اهل هائیتی خاک ایالات متحده از سمت خود کناره‌گیری کرد. استعفای او ضربه سختی برای جو بایدن بود، چون سیاست او درباره استرداد گسترده مهاجران هائیتی افشا شد.

■ سیاست خارجی

از نظر روابط بین‌الملل، دولت کنونی سیاست‌های ترامپ را در موضوعات محوری از قبیل حمایت همه‌جانبه از اسرائیل و موضع خصمانه در مقابل کوبا و ونزوئلا ادامه داده و تأیید کرد. گزارش اخیر نیویورک تایمز افشا کرد که استفاده از پهپادها در سوریه، عراق و افغانستان رسماً بیش از ۱۴۰۰ غیر نظامی را کشته است. رقم واقعی احتمالاً بسیار بیشتر است. بر این اساس، دولت بایدن همان سیاست ترامپ را ادامه می‌دهد. در پایان ماه اوت، ده غیر نظامی در کابل به وسیله حملات پهپادی امریکا کشته شدند، اما در سامبر تصمیم گرفته شد که کادر نظامی مرتبط با آن توییح نشود! «جان کری» سخنگوی ارشد وزارت دفاع توضیح داد که این بمباران «قوانین جنگی را نقض نکرده و عامل آن تلفات، بداخلاقی و سهل‌انگاری نیست.» دولت بایدن همچنین از حکومت نظامیان به ریاست ژنرال السیسی در مصر حمایت می‌کند؛ سالانه حدود ۱۰۳ میلیارد دلار کمک به او می‌دهد. ده همین منوال، بایدن روابط دوستانه با رژیم مرتجع سعودی را حفظ می‌کند.

پیوستن مجدد ایالات متحده به توافقنامه اقلیمی پاریس و از سرگیری مذاکرات درباره فعالیت هسته‌ای ایران، اقدامات قدرتمندی محسوب نمی‌شود. برعکس، بایدن اخیراً باران‌های استخراج نفت و گاز را در ایالات متحده افزایش داد تا از حجم بالای استخراج مطمئن شود. از آنجایی که ایالات متحده هیچ امتیاز اساسی به ایران نمی‌دهد، وضعیت می‌تواند فقط بدتر شود.

فراتر از وعده‌های علنی و محقق نشده، سیاست دولت بایدن غالباً ضربات سرمایه‌داری را علیه طبقات کارگر گسترش می‌دهد. در واقع هیچ تغییر و چرخشی آغاز نشده که سیاست‌های نولیبرالی را نقض کرده باشد.

بهبود عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست ارائه دهد. این طرح که «بازسازی بهتر» نامیده شد، باید همراه با برنامه کلان بودجه عمومی تصویب می‌شد؛ چرا که این برنامه سرمایه بزرگی را می‌طلبد، اما در نهایت بایدن و رئیس مجلس «نانسی پلوسی» رأی‌گیری از این دو طرح را جدا برگزار کردند. این اقدام توسط جناح چپ حزب دموکرات مورد پذیرش قرار نگرفت. طرح امور عمومی با حمایت جمهوری خواهان و با وجود مخالفت ۶ دموکرات جناح چپ به تصویب رسید. در طرف مقابل اما طرح بازسازی بهتر توسط جناح راست حزب دموکرات تخریب شد و به احتمال زیاد کنار گذاشته خواهد شد.

رها کردن ناگهانی این برنامه، ماهیت واقعی سیاستگذاری دولت بایدن را نمایان کرد که در سطح وسیع‌تر و از منظر اقتصادی و اجتماعی نوعی امتداد راه رؤسای جمهور جمهوری خواه از «جرج بوش» تا «دونالد ترامپ» بود. در سال ۱۸۹۱ «فردریش انگلس» در ضمیمه کتاب مارکس درباره کمون پاریس، دقیقاً نظام سیاسی موجود در ایالات متحده را تحت سلطه دو حزب جمهوری خواه و دموکرات توصیف کرده که قدرت را دست‌به‌دست کرده و از نظام سرمایه‌داری پیروی می‌کنند.

■ دیدگاه فردریش انگلس درباره نظام سیاسی ایالات متحده

«سیاستمداران» در هیچ کجا به اندازه امریکای شمالی بخش مجزا و قدرتمندی از ملت را تشکیل نمی‌دهند. در آنجا، هر یک از دو حزب اصلی که به طور متناوب در قدرت جانشین یکدیگر می‌شوند، هر کدام توسط عده‌ای خاص کنترل می‌شوند. کسانی که منفعتشان در سیاست است و آن را به تجارت مبدل کرده‌اند؛ کسانی که بر سر تصاحب کرسی‌های مجالس در ایالات متحده و تک‌تک ایالت‌ها دلالت می‌کنند. کسانی که از طریق تبلیغ حزب خود امر معاش می‌کنند و با پیروزی حزب، مناصبی را به‌عنوان پاداش دریافت می‌کنند.

به خوبی درک می‌شود که چگونه امریکایی‌ها به مدت ۳۰ سال در تلاش بوده‌اند تا از بند این اسارت خلاص شوند؛ اسارتی که غیرقابل تحمل شده و با

انبوه واکسن در جهان کمک کند. به این ترتیب می‌تواند از سهمیه‌بندی این محصولات پزشکی که نوعی از آپارتاید جهانی واکسن را منجر می‌شود، جلوگیری کند.» بایدن با عدم همراهی با چین درخواستی که از سوی سازمان‌های متعددی ارائه شده بود، حمایتش را از داروسازان بزرگ اعلام کرد. بر اساس پژوهش بسیار جدی و دقیقی که در ماه می ۲۰۲۱ توسط Public Citizen منتشر شد، مقامات دولتی به همراه سایر دول ثروتمند می‌توانستند به راحتی میلیاردها دوز واکسن را با قیمتی بسیار ارزان‌تر از آنچه به داروسازان بزرگ پرداخت می‌شود، تولید کنند. این پژوهش، مبتنی بر تحقیقات کالج سلطنتی لندن به شکل قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد که «جامعه جهانی می‌تواند تا ماه می سال ۲۰۲۲ قطب‌های منطقه‌ای با قابلیت تولید ۸ میلیارد واکسن مبتنی بر فناوری mRNA ایجاد کند. چنین تولیدی برای پوشش ۸۰ درصد کل جمعیت کافی خواهد بود.» هزینه آن چقدر خواهد بود؟ ۹.۴۴ میلیارد دلار برای تولید واکسن فایزر-بیوتک با استفاده از ۵ کارخانه و ۱۷ خط تولید و ۱۳۸۶ کارمند نیاز است. این عدد را باید با ده‌ها میلیارد دلاری مقایسه کرد که دولت از محل مالیات به داروسازان بزرگ تحویل داد.

ایالات متحده هم همچون کشورهای غرب اروپا برای تزریق گسترده دوز سوم واکسن و واکسیناسیون کودکان آماده می‌شود؛ در حالی که سازمان بهداشت جهانی درخواست کرده واکسیناسیون مردم کشورهای فقیر که هنوز دسترسی محدودی به واکسن دارند، در اولویت قرار گیرد.

■ اصلاحات بانکی

همچنین بایدن قول داده بود طی تدابیری، بانک‌ها و شرکت‌های مالی بزرگ را به یک انضباط مالی ملزم کند. در این خصوص هم اقدامی انجام نگرفته که حتی برعکس، نظارت‌ها سست‌تر شده است. بایدن برای اینکه به وضوح گرایش خود را به سمت بازارهای مالی و سرمایه‌داری کلان نشان دهد، «جروم پاول» را که توسط ترامپ به ریاست فدرال رزرو منصوب شده بود در این جایگاه ابقا کرد. او همچنین «جنتین بلن» رئیس پیشین فدرال رزرو را به‌عنوان وزیر خزانه‌داری ایالات متحده منصوب کرد. اینها نشانه‌های روشنی است که تصمیم منفعت سرمایه‌داری را نشان می‌دهد. در اوایل دسامبر ۲۰۲۱ قرار بود خانم «سائول اومارو» نظارت و کنترل بر بانک‌ها را در رأس دفتر کنترل ارز بر عهده بگیرد، اما انصراف داد. در فایننشال تایمز خواندیم که: «او با واکنش شدید جمهوری خواهان و نظام بانکی مواجه شد. ادعای منتقدان بر نگاه و سابق حرفه‌ای او متمرکز بود، او به‌عنوان یک دانشگاهی پیشنهادهایی چون تقویت سیستم بانکی ایالتی (با وظایف محدود در سطح هر ایالت) را مطرح می‌کرد که با مخالفت بانکداران روبه‌رو شد.» او در ادامه به فایننشال تایمز گفت: «آنچه بانک‌های وال استریت نسبت به آن نگران هستند این است که من می‌خواهم که یک ناظر مستقل و هوشیار باشم و تحت امر آنها نیستم.» در واقع در کنار همه‌های قابل پیش‌بینی جمهوری خواهان، او ضربات مداومی را از سوی نمایندگان دموکرات دریافت کرد؛ کسانی که در حد و اندازه همکاران جمهوری خواهان، پیوند وثیقی با سرمایه‌داری دارند. تیتز فایننشال تایمز در ۹ دسامبر ۲۰۲۱ این بود: «گزینه انتخابی جو بایدن برای مدیریت کنترل و ارزیابی بانک‌ها، از منصب خود عقب‌نشینی کرد». گزینه این یادداشت عبارت بود از اینکه: «در طول جلسه استماع هم «جان تِستِر» سناتور دموکرات ایالت مونتانا و هم «مارک وارن» سناتور جمهوری خواه ایالت ویرجینیا، نگرانی‌هایی را درباره انتقادات گذشته اومارو درباره بخش‌هایی از لایحه بودجه سال ۲۰۱۸ اعلام کردند. این بخش‌های لایحه که مورد حمایت این دو نماینده بود به عدم سخت‌گیری و ساده‌سازی قوانین نظارت و کنترل بر صندوق‌های سپرده‌گذاری محلی اشاره داشت. همچنین تِستِر پیشنهاد اومارو درباره شکل‌گیری یک مرجع سرمایه‌گذاری ملی زیر نظر دولت را زیر سؤال برد؛ مرجعی که موظف بود تعیین کند به کدام بخش از اقتصاد، باید وام تعلق بگیرد.»

■ تغییرات اقلیمی

بایدن قول داده بود که برنامه‌های برای تأمین هزینه مصوبات مرتبط با



برجسب «کار من بود» که مردم آمریکا به عملکرد بایدن، هر جا که افزایش قیمت یا کمبود کالا باشد می‌چسباند.